

# طرح برنامه

آذر ماه 1361

از انتشارات چریک های فدایی خلق ایران

به خاطره چریک فدایی خلق  
رفیق شهید سیما دریایی  
تقدیم می شود.

چریک فدایی خلق رفیق سیما دریایی در سال 1333 در خانواده ای متوسط در شهر بابل به دنیا آمد. دوره دبستان و دبیرستان را در این شهر گذراند و هنوز دوره دبیرستان را تمام نکرده بود که جوشش انقلابی ناشی از مبارزه مسلحانه چریک های فدایی خلق زندگی او را فرا گرفت. شهر بابل با توجه به سابقه و سنت های مبارزاتی موجود در آن جا، از جمله شهرهایی بود که از همان آغاز مبارزه مسلحانه در ایران تحت تأثیر آن قرار گرفت و با کشیده شدن بسیاری از جوانان مبارز شهر به طرف سازمان چریک های فدایی خلق محیط کاملاً مبارزاتی در بین اغلب خانواده های این شهر به وجود آمد. رفیق سیما از جمله کسانی بود که در چنین محیطی پرورش یافت و از زندگی و شهادت خونین چریک های فدایی همچون سپهری ها، مفتاحی ها، قبادی ها، ابراهیمی ها و... تأثیر مبارزاتی گرفت. رفیق سیما پس از اتمام دوره دبیرستان به تهران آمد و مدتی در یکی از مدارس پائین شهر به عنوان معلم پیمانی شروع به کار کرد. در این دوره رفیق بیشتر اوقات خود را با شاگردان مدرسه و خانواده های آنان می گذراند و همواره سعی می کرد تا آن جا که مقدور است در جهت حل مشکلات این خانواده ها و بهبود وضع زندگی شان قدم های مؤثری بردارد. تماس با این خانواده ها او را از نزدیک با فقر و مذلت جامعه طبقاتی هرچه بیشتر آشنا کرد.

در پرتو آگاهی سیاسی، با درک مظالم اجتماعی هرچه عینی تر و ملموس تر شعله های کینه به دشمن و عشق به خلق در دل رفیق فروزان تر می شد. محیط مبارزاتی دانشگاه که به خصوص پس از آغاز مبارزه مسلحانه در ایران، همواره مبارزه در آن جریان داشت او را نیز همانند بسیاری از روشنفکران مبارز به طرف خود کشید. او در سال 54 وارد دانشگاه تهران و از آن زمان به بعد فعالانه در مبارزات دانشجویی شرکت کرد. در جریان اوجگیری مبارزات ضدامپریالیستی خلق در سال های 56-57 با تمام قوا به فعالیت مبارزاتی پرداخت.

رفیق سیما با توجه به آگاهی سیاسی والا و روحیه سازش ناپذیرش خیلی زود به ماهیت ضدخلفی رژیم جمهوری اسلامی پی بُرد و با خشم فراوان از سازشکاری های فرصت طلبانی که با غصب نام سازمان چریک های فدایی خلق ایران به این سازمان ضربه می زدند، با آن مرزبندی کرد. صداقت بیکران او و تعهد انقلابی اش نسبت به خلق به او حُکم می کرد که خون رفقای شهید فدایی را پاس دارد و او به حق دریافته بود که تنها با ادامه راه شهدا که در تشکیلات چریک های فدایی خلق متبلور بود، می تواند دین خود را نسبت به خلق ستمدیده و مبارز ایران و شهدای فدایی اش ادا نماید.

در سال 58 او به آرزوی دیرینه خود که تماس مستقیم با چریک های فدایی خلق بود، رسید و از آن زمان به بعد فعالیت های او شکل کاملاً تشکیلاتی یافت. در وجود رفیق سیما شور و صداقت انقلابی با صفا و صمیمیت او درهم آمیخته بود و او با فداکاری و پشتکار قابل تحسینی در راه تحقق آرمان های ولایت مبارزه می کرد. کار مبارزاتی رفیق سیما در سازمان در یک هسته انتشاراتی متمرکز بود. در این دوره او با جدیتی که برای انجام وظایف سازمانی اش به کار بُرد، نشان داد که تا چه حد از انضباط چریک های فدایی خلق برخوردار بوده و در هر شرایط، انجام وظایف سازمانی اش را اصل می شمرد. علیرغم این که رفیق سیما از نظر جسمی وضع خوبی نداشت و همواره از این موضوع رنج می بُرد با این حال لحظه ای از کوشش مبارزاتی باز نمی ایستاد. چه شب ها که تا صبح با تلاشی خستگی ناپذیر کار می کرد. او همواره با ایمانی خلل ناپذیر به انجام وظایف انقلابی اش می پرداخت و در تمام مدت به مسئله خودسازی اهمیت می داد. شرکت فعال و جدی او در جلسات مطالعه، کوشش برای ارتقاء قابلیت های عملی اش بیانگر این موضوع بود. در این زمان رفیق توانست با استفاده از امکانات سازمانی دوره آموزش کمک های اولیه و دوره بیهوشی را بگذراند.

رفیق سیما در جریان انشعاب بی مسمائی که به سازمان تحمیل شد، علیرغم تمام عُلقه های عاطفی که با عده ای از رفقای منشعب داشت، انشعاب را با تمام وجود محکوم نمود. او به عواقب منفی و مخرب این انشعاب واقف بود و می دانست که دیگر شکست کامل خط مشی های اپورتونیستی فرا رسیده و زمانی که چریک های فدایی خلق با افراشتن پرچم سرخ مبارزاتی بیش از هر وقت دیگر می توانند حقانیت خود را نشان داده و ارتباط خود را با توده ها مستحکم تر نمایند، به وجود آمده است. از این رو او به خصوص در چنین شرایطی هرگونه ضربه ای را به تشکیلات چریک های فدایی خلق محکوم می نمود و خواهان آن بود که همه رفقا با درایت انقلابی و شکیبایی و متانت انقلابی، کاستی ها و مشکلات را از سر راه برداشته و در جهت استحکام و وحدت سازمانی قدم بردارند.

قبول انشعاب اگرچه برای وی گران بود ولی وقتی به وقوع پیوست رفیق سیما تنها احساس کرد که بارسئولیت انقلابی اش هرچه بیشتر شده. او می گفت باید باردیگر با ایمانی فزون تر، عزمی راسخ تر و با تلاشی خستگی ناپذیر و صدها بار هشیارتر نسبت به قبل کار کرد تا بتوان ضربات وارده از این انشعاب را به حداقل رساند. پس از این دوره قرار بود رفیق سیما برای ادامه فعالیت های انقلابی اش به گُردستان منتقل شود. ولی درست چند روز قبل از حرکت، وی در یکی از خیابان های خفقان بار تهران توسط مزدوران رژیم دستگیر شد. مزدوران، رفیق سیما را به زیر شکنجه بُردند و پس از آن که از گرفتن کمترین اطلاعات از او مایوس شدند او را در تاریخ 60/9/8 به جوخه های اعدام سپردند.

چریک فدایی خلق رفیق سیما دریائی با آغوش باز مُردن در راه تحقق آرمان های انقلابی پرولتاریا را پذیرا شد و با مرگ پُرافتخارش پرچم خونین چریک های فدایی خلق را رنگین ساخت.

او در وصیت نامه کوتاهی برای خانواده اش می نویسد: "هرآنچه گفتم درست بود و برایش ایستاده ام"، "ستاره ای بودم که خاموش نگشتم".

باشد که یاد رفیق سیما را با ادامه راه سرخ اش زنده نگه داریم.

با ایمان به پیروزی راهمان  
چریک های فدایی خلق ایران  
بهمن ماه 1361

## مقدمه طرح برنامه

جزوه حاضر حاوی طرح برنامه ای است که ارائه آن از دیرباز به عنوان یکی از وظایف چریک های فدایی خلق ایران مطرح بود. اهمیت تدوین چنین برنامه ای به خصوص با اوج گیری مبارزات توده ها در اواخر دوران شاه و شرکت فعال توده ها در

صحنه مبارزه و تأثیر این شرایط در سازمان های انقلابی بیش از پیش آشکار شد و به صورت ضرورتی کاملاً مُبرم درآمد.

بدون داشتن برنامه ای که هدف نهائی جنبش را به صورت کاملاً روشن مطرح نماید، بدون داشتن برنامه ای که راه و شیوه های اساسی رسیدن به هدف را معلوم سازد و بالاخره بدون داشتن برنامه ای که منطبق بر تحلیل مشخص از شرایط مشخص وظایف آتی و فوری جنبش را مطرح سازد، نمی توان نقش فعالی در پراتیک مبارزاتی توده ها ایفا نمود. در جریان مبارزات ضدامپریالیستی اخیر علیرغم موقعیت مساعد جنبش کمونیستی و نفوذ معنوی والائی که کمونیست ها به پشتوانه 8 سال مبارزه مسلحانه در جامعه کسب کرده بودند، روشن نبودن هدف های مبارزاتی برای اغلب این نیروها و عدم درک وظایف آتی و فوری جنبش برای آنان اثرات مخربی به بار آورد. خمینی و دارودسته اش که به پشتوانه حمایت امپریالیستی امکان و قدرت بسیج توده ای را یافته بود، آگاهانه از ارائه هرگونه برنامه ای برای جنبش سرباز زد. او مزورانه ارائه هرگونه برنامه ای را به بعد از پیروزی که به زعم او بعد از سقوط شاه فرا می رسید، احاله می کرد و هنگامی که در مقابل خواست و منطبق توده ها که خود پیروزی انقلاب را در گرو جنگی مسلحانه می دیدند قرار می گرفت، پاسخش همواره این بود که هنوز وقت جنگ مسلحانه فرا نرسیده است و یا به قول او هنوز دستور جهاد نداده ام. خمینی و دارودسته اش برای کنترل مبارزات ضدامپریالیستی توده ها و انحراف مسیر آن مشکلات فراوانی پیشاروی داشتند. همان طور که قبلاً گفته ایم "توده ها قبل این که آن ها بگویند به خیابان بریزید، به خیابان ریختند، پیش از این که آن ها بگویند، اعتصاب می کردند و در حالی که آن ها با تلاش مذبحانه مردم را از تُوَسَل به زور برحذر می داشتند، مردم بیش از هر چیز به زور متوسل می شدند." همه این ها بیان گر شرایط بسیار مناسب برای رشد جنبش کمونیستی بود و پیشاهنگ انقلابی به خوبی می توانست با ارائه یک برنامه انقلابی و حرکت در جهت تحقق آن، از یک طرف موجب افشای چهره نارهربان جنبش و ایزوله ساختن آنان و از طرف دیگر متقابلاً موجب رشد انقلاب و رادیکالیزه شدن هرچه بیشتر آن گردد. لازم بود برنامه ای ارائه شود که منطبق بر آن تحلیل ها و ایده های انقلابی به درون توده ها بُرده شده و آن ها را نسبت به اهداف جنبش و منافع واقعی خود واقف سازد، لازم بود برنامه ای ارائه شود که وظایف نیروهای مبارز را در رابطه با زمینه های مختلف کار انقلابی روشن ساخته و بین وظایف مختلف هماهنگی ایجاد نماید.

و بالاخره لازم بود در رابطه با پیشبرد شکل اصلی مبارزه و سازماندهی توده ها در جهت این شکل، برنامه ای ریخته شود. ولی همان طور که می دانیم هیچ یک از وظایف فوق انجام نگرفت. نیروهایی که می بایست ارائه دهنده برنامه ای برای جنبش باشند در سردرگمی کامل نظری و عملی گرفتار آمده بودند. شرایط جدید چشم انداز کار انقلابی وسیع تری در رابطه با تمام حوزه های زندگی مبارزاتی توده ها و به خصوص در رابطه با پیشبرد جنبش مسلحانه که دیگر صرفاً توسط روشنفکران انقلابی پیش نمی رفت، بلکه با سازماندهی مسلح توده ها و به همراه آن می بایست انجام گیرد، در مقابل نیروهای انقلابی قرار داده بود که انجام همه این وظایف در گرو داشتن برنامه انقلابی جامعی بود.

واقعیت این است که تئوری مبارزه مسلحانه در جریان رشد خود می بایست به صورت یک برنامه ارائه شود و فقدان این مسئله نقصی بود که جنبش مسلحانه سال ها از آن رنج بُرده است. اگر در گذشته تزه های انحرافی نی نظیر "مبارزه با دیکتاتوری فردی شاه به مثابه عمده ترین وظیفه مرحله استراتژیک جنبش" تحت نام تئوری مبارزه مسلحانه ارائه شد و یا اگر کسانی پیدا شدند که به دلیل عدم فهم خود از تئوری مبارزه مسلحانه با عنوان کردن این که تئوری مبارزه مسلحانه به کار سیاسی-تشکیلاتی و اشکال دیگر مبارزاتی بها نمی دهند، سعی در وارد کردن تز انحرافی "پیش به سوی کار سیاسی-تشکیلاتی به عنوان پای دوم جنبش مسلحانه" به این تئوری نمودند و مدعی به اصطلاح تکامل آن شدند، همه این ها از یک طرف معلول کم کاری در زمینه توضیح تئوریک خط مشی مسلحانه و از طرف دیگر معلول آن بود که تئوری مبارزه مسلحانه به صورت برنامه ای که اساس نظرات چریک های فدایی خلق را در قبال مسائل اساسی جنبش مطرح نموده و در هر مقطع وظایف مشخصی را در انطباق با آن روشن نماید، درنیامده بود. عدم ارائه تئوری مبارزه مسلحانه به صورت برنامه اغلب موجب برداشت های بسیار سطحی و محدود از این تئوری می گردد. همواره کسانی پیدا می شوند که برای چریک های فدایی خلق جز انجام عملیات مسلحانه هیچ وظیفه دیگری قائل نیستند. در گذشته کفاره این معصیت با حاکم

شدن نظراتی که در مغایرت اساسی با تئوری مبارزه مسلحانه بوده ولی تحت پوشش آن انجام بعضی از وظایف جنبش را یادآوری می نمود، داده شد. در فقدان چنین برنامه ای جریانات سیاسی کار به طور اعم در چند سال اخیر سؤاستفاده های زیادی نمودند. آن ها به دلخواه خود هر تفکر کودکانه و نادرستی را به تئوری مبارزه مسلحانه و به معتقدین به این تئوری نسبت دادند و از این طریق موجب فریب بسیاری از نیروهای صادق جنبش کمونیستی و انحراف اذهان آنان شدند.

بنابر ملاحظات فوق، ارائه برنامه حاضر ضرورتی بود که به خصوص تجارب مبارزات سه سال گذشته آن را نشان داد. پیش از این سازمان ما با تحقق بخشیدن به یکی از رهنمودهای رفیق کبیر مسعود احمدزاده که در زندان بارها ضرورت توضیح تئوریک مشی مسلحانه را یادآوری می نمود، به یکی از وظایف مهم خویش جامه عمل پوشاند. بسیاری از جزوات و کتاب هائی که در چهارسال گذشته از طرف سازمان ما منتشر شده به خوبی توانسته است به توضیح تئوریک مشی مسلحانه به خصوص در رابطه با مسائل زنده جنبش بپردازد. اکنون ارائه این طرح برنامه گام جدی دیگری است که سازمان ما در جهت انطباق تئوری مبارزه مسلحانه با شرایط کنونی و پیشبرد مبارزات توده ها برمی دارد.

در این طرح برنامه اساس نظرات چریک های فدایی خلق ایران در مورد مسائل اساسی انقلاب به صورت تزهایی ارائه شده است. ما با این عمل از یک طرف فرصت تحریف نظرات خود را در مقیاس وسیع از اپورتونیست ها می گیریم و از طرف دیگر از اشاعه نظرات غلطی که تحت پوشش تئوری مبارزه مسلحانه مطرح می شود، جلوگیری می نمائیم. همچنین در این طرح برنامه تحلیلی مشخص از شرایط واقعی جنبش ارائه شده که وظایف نیروهای انقلابی در قبال جنبش ضدامپریالیستی خلقمان را تعیین می نماید.

به اعتقاد ما این طرح برنامه بهترین زمینه را برای برخورد فعال درون و بیرون سازمانی با مسائل جنبش به وجود می آورد و نه تنها باعث انسجام هرچه بیشتر درون سازمان گشته و رابطه ما را با هواداران مستحکم تر می نماید، بلکه به طور کلی این برنامه به منزله پرچمی است که وحدت تمام نیروهای معتقد به تئوری مبارزه مسلحانه که در یک سال و نیم گذشته دچار پراکندگی گشته اند را تأمین می کند. مبارزه ایدئولوژیک پرولتری در رابطه با این برنامه جهت مشخص و انقلابی خود را می یابد و به کسانی که سعی دارند مبارزه ایدئولوژیک را از حوزه مسائل مشخص و زنده جنبش بیرون کشیده و آن را در حوزه مسائل کلی و بی ربط به مسائل و مشکلات عملی جنبش محصور سازند، اجازه چنین برخوردی را نمی دهد. اما اگر ارائه این برنامه تمام محاسن بالا را دارد، این موضوع را هم باید تذکر داد که موفقیت در کار انقلابی منوط به برخورد فعال و جدی همه رفقا است. نباید فکر کرد که وظیفه ما با ارائه این برنامه خود به خود پایان پذیرفته است، بلکه کار مشکل پس از این آغاز خواهد شد. براساس این برنامه نه تنها باید دست به مبارزه ایدئولوژیک وسیع در سطح جنبش کمونیستی بزنیم و از این طریق ایده های خود را تبلیغ نمائیم، بلکه اساسا باید با شرکت در پراتیک مبارزاتی ایده های خود را مادی سازیم. بدون تلفیق تئوری با عمل و بدون آن که قادر باشیم برنامه حاضر را در شرایط مشخص جامعه خویش پیاده نمائیم، سازمان هرگز راه به جایی نخواهد بُرد. در حالی که باید در هر جا و در هر زمان با مسائل واقعی جنبش برخورد داشته باشیم، تئوری انقلابی را از طرح های کلی به موضوعات مشخص و عملی تبدیل نمائیم و با سپردن ایده های خود به محک پراتیک آن ها صیقل بخشیم.

در خاتمه باید به این مسئله اشاره کنیم که در این طرح برنامه بعکس جریانات کمونیستی دیگر ما به بررسی قوانین حاکم بر جامعه سرمایه داری پرداخته ایم چرا که معتقدیم وقتی که سازمان های کمونیستی به عنوان اجزائی از نهضت طبقه کارگر، ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم را می پذیرند دیگر نیازی به اعلام قوانین حاکم بر جامعه سرمایه داری وجود ندارد. این وظیفه "مانیفست حزب کمونیست" بود که نابودی آنی و احترازناپذیر مالکیت کنونی بورژوازی را اعلام کند و اجتناب ناپذیری پیروزی سوسیالیسم را نشان دهد. آنچه که برای نیروهای کمونیست در شرایط کنونی جامعه ما اهمیت دارد اعلام ویژگی های نظام اقتصادی-اجتماعی حاکم بر کشور ما یعنی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است تا براساس آن بتوان راه رهائی توده های تحت ستم میهنمان را از قید سلطه امپریالیسم اعلام کرد.

و از طرف دیگر ما در این طرح برنامه برعکس جریانات اپورتونیستی که زیر پرچم لنینیسم برعلیه لنینیسم حرکت می کنند، سعی کردیم که اساسا به رهنمود لنین در مورد برنامه وفادار باشیم و کوشیدیم تصویر روشنی از هدف نهائی و شناخت صحیحی از راه رسیدن به آن هدف و مفهوم دقیقی از شرایط واقعی آن نقطه و وظایف فوری جنبش ارائه دهیم. پرداختن به جزئی ترین مسائل جامعه آینده از قبیل این که در دولت آینده، دهات نیز دارای ارتباط تلفنی خواهند بود مسئله ای از مشکلات جنبش را حل نمی کند. آنچه برای انقلاب ضدامپریالیستی خلق ما حیاتی است شناساندن امپریالیسم به عنوان دشمن اصلی همه خلق های جهان و چگونگی قطع کردن شکل اصلی مبارزه و سازمان متناسب با آن برای نابودی امپریالیسم است و در این رابطه باید تاکتیک های مبارزاتی را در جهت حل مسائل جنبش در هر مقطع مشخص ساخت. ولی برای کسانی که تاکنون به اصطلاح برنامه ای برای جنبش ارائه داده اند، گویا این مسائل مطرح نبوده است. تا آن جا که از نوشتجات آنان برمی آید، از نظر آن ها برنامه آن چیز است که ایده آل هائی را در مقابل توده ها تصویر می کند تا توده ها به شوق دستیابی به آن بپاخیزند و گویا هر سازمانی تصویری ایده آل تر عرضه نماید توده ها بیشتر به طرف آن سازمان جلب می شوند. به خصوص آنچه در این برنامه ها جلب نظر می کند عدم مشخص کردن راه رسیدن به هدف می باشد. آن هائی که به این امر حیاتی بی توجه باشند و به شیوه ای علمی در جهت شناخت آن گام بردارند بدون شک برنامه هایشان نیز هیچ مشکلی از مشکلات جنبش را برطرف نخواهد نمود.

اما در مورد طرح برنامه ای که ما ارائه داده ایم، باید گفت که این طرح برنامه زمانی می تواند برنامه ای کامل و جامع شود که در پرتو برخوردهای فعال همه رفقا به محوری برای مبارزه ایدئولوژیک فعال پرولتری تبدیل گردد.

## طرح برنامه

- 1- کشور ما تحت سلطه امپریالیسم قرار دارد.
- 2- نظام اقتصادی- اجتماعی حاکم بر کشور سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است.
- 3- این نظام، ایران را به جزئی ارگانیک از نظام امپریالیستی جهانی تبدیل کرده است.
- 4- در نتیجه، اقتصاد ملی اساسا در هم شکسته شده و تمام طبقات و اقشار خلق تحت استثمار و ستم مستقیم سرمایه و سلطه امپریالیستی قرار گرفته اند.
- 5- سرمایه وابسته به امپریالیسم تمام منابع ملی را غارت کرده و بی رحمانه به استثمار کارگران و غارت دسترنج دهقانان و خرده بورژوازی شهر و روستا می پردازد.
- 6- بورژوازی ملی به طور کلی نابود شده و بورژوازی وابسته مستقیما با هدایت و به نمایندگی امپریالیسم در سیاست و اقتصاد حاکم است.
- 7- صدور نقت به بازارهای امپریالیستی نقش تعیین کننده ای در حیات اقتصاد وابسته این کشور پیدا کرده است.
- 8- تجمع درآمد حاصل از فروش نقت در دست دولت، نقش بویژه برجسته ای به دولت در حیات اقتصادی کشور داده و بوروکراسی دولتی را بیش از پیش بر زندگی مردم مسلط کرده است.
- 9- عامل بقای این وابستگی اساسا سرکوب قهرآمیز است.

- 10- در نتیجه، شکل دولت در کشور ما، مادام که سلطه امپریالیستی باقی است، شکل عریان و خشن دیکتاتوری است.
- 11- تکیه اساسی این دیکتاتوری بر ارتش امپریالیستی است که توسط امپریالیسم مسلح و سازماندهی شده است.
- 12- ولی این امر مانع از آن نیست که امپریالیسم و نیروهای وابسته به وی برای سرکوب جنبش های مردم دستجات مسلح دیگری مستقل از دولت به وجود نیاورند.
- 13- تضاد اصلی جامعه ما تضاد خلق و امپریالیسم است.
- 14- در مقابل ستم و استثمار و سرکوب امپریالیستی، کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهر و روستا ایستادگی می کنند.
- 15- طبیعت همین کشمکش بین خلق و امپریالیسم تمام وظایف مرحله ای انقلاب را مشخص می کند.
- 16- سلطه امپریالیستی بسط هرگونه مبارزه سیاسی- اقتصادی را منوط به وجود و گسترش مبارزه مسلحانه کرده است.
- 17- لذا نه تنها حل نهائی تضاد خلق با امپریالیسم، بلکه هرگونه مبارزه و در هر سطح علیه سلطه امپریالیستی به شکل قهرآمیز این مبارزه بستگی پیدا می کند.
- 18- شکل اصلی و محوری مبارزه در مرحله کنونی یعنی شیوه اصلی حل تضاد خلق با امپریالیسم جنگ توده ای طولانی است که در طی آن نیروهای خلق به تدریج به میدان مبارزه آمده با تشکیل ارتش خلق، ارتش بومی امپریالیسم و نیروهائی را که احیاناً از خارج به کمک وی گسیل خواهد شد، در هم می شکنند.
- 19- حدت تضاد خلق با امپریالیسم و تحرک انقلابی توده های شهری، قیام های شهری را در این جا و آن جا باعث می شود ولی این قیام ها به تنهایی برای سرنگونی سلطه امپریالیستی کافی نیست و بهره برداری و سازماندهی صحیح آن ها در جهت مبارزه مسلحانه توده ای طولانی می تواند جریان این مبارزه را تسریع بخشد.
- 20- در مبارزه خلق با امپریالیسم تمام طبقات خلق شرکت دارند ولی پیروزی انقلاب دموکراتیک- ضدامپریالیستی به تأمین هژمونی پرولتاریا بستگی دارد.
- 21- تأمین هژمونی پرولتاریا در انقلاب مستلزم وجود ستاد رزمنده طبقه کارگر یعنی حزب کمونیست است.
- 22- این حزب در جریان اوج گیری مبارزه مسلحانه و در جریان پیوند یافتن این مبارزه و سازمان های درگیر این مبارزه با طبقه کارگر و بسط و گسترش متقابل مبارزات طبقه کارگر به وجود می آید.
- 23- پایگاه طبقاتی دولتی که پس از پیروزی مرحله کنونی انقلاب به وجود خواهد آمد، نتیجتاً همان طبقاتی خواهند بود که در انقلاب ضدامپریالیستی کنونی شرکت دارند: کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهر و روستا و طبیعتاً طبقه کارگر در این دولت هژمونی خواهد داشت یعنی دموکراسی نوین برپا می شود.
- 24- این دولت، با توجه به شرایط مشخصی که در طی آن به قدرت می رسد، برای بازسازی اقتصاد ملی و از بین بردن آثار وابستگی امپریالیستی و سرکوب نیروهای ضدانقلابی و مهیا کردن زمینه گذار به سوسیالیسم برنامه ریزی می کند و تمام اقتصاد جامعه را تحت هدایت خود می گیرد. هژمونی پرولتاریا در این دولت ضامن جهت گیری سوسیالیستی این نظام دموکراتیک نوین است.

## در مورد شرایط کنونی

1- رژیم جمهوری اسلامی، رژیمی است وابسته به امپریالیسم که با فریبکاری و با تکیه به خشن ترین سرکوب ها به سرکوب جنبش ضدامپریالیستی خلق ما مشغول است. عناصر تشکیل دهنده این دولت در عمل نشان داده اند که سگهای زنجیری هستند که برای خدمت به اربابان امپریالیست خود از هیچ جنایتی رویگردان نیستند. این دولت به عنوان اجرای جزئی از سیاست کلی امپریالیسم در منطقه، کشور ما را به عرصه جنگ ویرانگر با عراق تبدیل کرده است. در حال حاضر مبارزه ضدامپریالیستی اساسا به صورت مبارزه برعلیه این رژیم که تمام ارگان های سرکوب امپریالیستی را در اختیار دارد، صورت می گیرد.

2- ولی طبیعت وابستگی این رژیم و جریان جوشان انقلاب وضعیتی را به وجود آورده که هرآن امپریالیسم ممکن است برای تغییر آرایش نیروهای خود این رژیم را با رژیم دیگری جایگزین کند. ولی این تغییر رژیم نمی تواند در ماهیت مبارزه خلق برعلیه امپریالیسم تغییری ایجاد کند، گرچه مبارزه خلق از لحاظ تاکتیکی باید آن را به حساب آورد و موضع مناسب در قبال آن اتخاذ کند.

3- در حال حاضر در سراسر کشور مبارزه مسلحانه نسبتا وسیعی برعلیه رژیم وابسته جمهوری اسلامی در جریان است. شرکت فعالانه نیروهای پرولتری در جریان این مبارزه مسلحانه می تواند نواقص تاکتیکی و استراتژیک این مبارزه را که در حال حاضر به علت سلطه نیروهای غیرپرولتری بدان دچار است، مرتفع کند.

4- علاوه بر مبارزه مسلحانه، خلق ما در سراسر کشور به اشکال گوناگون در مقابل این رژیم وابسته به امپریالیسم دلیرانه مقاومت می کند.

5- مبارزه خلق بحران عمومی را که در اثر بن بست اقتصادی موجود دامنگیر حاکمیت امپریالیستی شده تشدید کرده، تضادهای موجود میان قشرها و عناصر وابسته به امپریالیسم را شدت بخشیده، آن ها را به درگیری قهرآمیز با یکدیگر کشانده است. جنبش خلق ما باید بتواند از این تضادها در جهت گسترش هرچه بیش تر خود استفاده کند ولی در عین حال امروز ما انعکاس این تضادها را در درون صف خلق احساس می کنیم و می بینیم که جریانات وابسته سعی می کنند از جنبش خلق برای تسویه حساب با سایر جریانات وابسته در رژیم کنونی استفاده نمایند. مقابله با چنین موقعیتی برخورد نظری و عملی بسیار هوشیارانه ای را از جانب نیروهای پرولتری ایجاب می کند، به طوری که بتوان ضمن راندن این جریانات وابسته و جدا کردن آن ها از نیروهای خلقی، صف خلق را بیش از پیش تحکیم نمود.

## وظایف ما

بر اساس آنچه تا اینجا آمده ما چریک های فدایی خلق در شرایط کنونی وظایف و مواضع خود را به این شرح اعلام می کنیم:

سازماندهی و انجام مبارزه مسلحانه به عنوان وظیفه عمده و اصلی ما در این مرحله می باشد و در مقطع کنونی اساسا این مبارزه را از طریق تشکیل دسته های پارتیزانی متحرک در روستا و هسته های سیاسی- نظامی در شهرها و شرکت در جنگ مقاومت خلق کرد پیش می بریم. در کار سازماندهی و انجام مبارزه مسلحانه به نکات زیر توجه داریم:

1- بی ثباتی سیاسی رژیم ایجاب می کند که ما چه از لحاظ سازماندهی و چه از لحاظ عملیات شدیداً در تاکتیک انعطاف پذیر باشیم و هر آن آماده باشیم که با تحول اوضاع سیاسی، تاکتیک های خود را متحول سازیم.

2- سازماندهی ما باید این امر را به حساب آورد که امروز مبارزه در سطحی توده ای جریان دارد و نیروهای بسیاری را می توان برای مبارزه مسلحانه بسیج کرد که لزوماً کمونیست نیستند و به همین دلیل نمی توانند مستقیماً به سازمان چریک های فدایی خلق ایران ملحق شوند، ما باید چه در شهرها و چه در روستاها اشکال سازمانی لازم را برای تسلیح و تشکل این نیروها و عناصر غیرکمونیست به وجود آوریم و شیوه صحیح برخورد با آن ها را بیاموزیم.

3- در شرایط شدت تضادها و بی ثباتی وضعیت سیاسی رژیم و بحران اقتصادی، هر آن احتمال قیام های توده ای می رود. ما باید ضمن پیشبرد مبارزه مسلحانه توده ای از این موقعیت ها به خوبی استفاده کنیم و اساساً به نظر ما شرط آن که ما بتوانیم به موقع در این قیام ها نقش انقلابی و بسیج کننده خود را بازی کنیم آن است که از پیش در پرتو مبارزه مسلحانه خویش، سازماندهی مناسب را صورت داده باشیم.

4- ما به خوبی به این امر واقفیم که مبارزه مسلحانه صرفاً توسط ما و حتی صرفاً توسط نیروهای کمونیست صورت نمی گیرد. امروز بخش بزرگی از مبارزه مسلحانه علیه امپریالیسم توسط نیروهای غیرکمونیست انجام می پذیرد. ما ضمن استقبال از مبارزه این نیروها درصدد یافتن شیوه های اتحاد عمل و تأثیرگذاری متقابل جهت عمق و وسعت بخشیدن به مبارزه کل خلق هستیم.

5- برای نیل به این هدف، ما شعار "پیش به سوی تشکل ارتش خلق" را مطرح می کنیم و با اذعان به این که فعلاً و بلافاصله شرایط تحقق این شعار فراهم نیست از طرح آن برای توضیح لزوم تشریک مساعی تمام نیروها در زمینه عمل، لزوم داشتن دیدی طولانی از مبارزه و لزوم درهم شکستن ارتش امپریالیستی و جایگزین کردن آن با ارتش خلق استفاده می کنیم. در زمینه سیاسی با خواست تشکل جبهه واحد ضدامپریالیستی، ما تحقق این شعار را تسریع می کنیم.

6- شعار "پیش به سوی سازماندهی مسلح توده ها" آن زمینه سازمانی و مبارزاتی را مشخص می کند که براساس آن انعطاف پذیری لازم در اتخاذ تاکتیک های گوناگون سازماندهی در این مرحله برای ما تأمین می شود.

7- تشخیص مبارزه مسلحانه به عنوان شکل اصلی مبارزه به هیچ وجه ما را از انجام وظایفی که در قبال تشکل و رهبری سایر اشکال مبارزاتی خلق به عهده داریم، غافل نمی کند. ما با این اصل که هیچ یک از عرصه های حیات سیاسی و اجتماعی خلق خارج از حیطه وظایف ما قرار ندارد، حرکت می کنیم. در عین حال همواره در نظر داریم که هدف از شرکت ما در مبارزات خلق نه دنباله روی از آن ها، بلکه تشکل و ارتقاء سطح آن ها و بسیج کردن آن ها در جهت تقویت جریان کلی مبارزه ضدامپریالیستی می باشد.

## جنبش طبقه کارگر

1- در قبال طبقه کارگر، ما به عنوان یک سازمان کمونیست خود را جزئی از نهضت این طبقه می دانیم و اساساً استراتژی و تاکتیک مبارزه را با توجه به منافع این طبقه تنظیم می کنیم.

2- براساس این اعتقاد که مبارزه ضدامپریالیستی جز با هژمونی طبقه کارگر بر جنبش به نتیجه نخواهد رسید، وظیفه تشکیلاتی و مبارزاتی ویژه ای برای خود در قبال این طبقه می شناسیم و این وظایف با رشد مبارزه مسلحانه روز به روز گسترش و دامنه بیش تری می یابد.

3- ما ضمن تبلیغ هدف های درازمدت مبارزه ضدامپریالیستی و سعی در تشکل سیاسی و نظامی پرولتاریا، به هیچ وجه زندگی اقتصادی و خواست های روزمره او را نادیده نمی گیریم. ما سعی می کنیم حتی در این زمینه نیز مبارزات پرولتاریا را



سازماندهی و رهبری کنیم، ما باید اشکال سازماندهی مناسب با این وظایف را به وجود آوریم.

## جنبش دهقانی

1- در قبال دهقانان، ما با قبول آن که به خصوص پس از اصلاحات ارضی روستاهای ایران عرصه استثمار سرمایه داری وابسته به امپریالیسم شده اند و سرمایه های امپریالیستی به انحاء گوناگون به غارت روستائیان ما مشغولند، خواست های آنها را و در مرکز آن ها خواست زمین را دموکراتیک و مترقی دانسته و از آن ها قویا حمایت کرده، مبارزات توده های دهقانی را در این زمینه متشکل و رهبری می کنیم.

2- مخصوصا با توجه به شکل اصلی مبارزه یعنی مبارزه مسلحانه توده ای طولانی، مناطق روستائی کشور ما عرصه اصلی نبرد با ارتش امپریالیستی را تشکیل می دهد و این مبارزه در رابطه جنبش دهقانی امکان بسط و گسترش دارد. در عین حال همواره همچنان که امروز در گُردستان شاهد آن هستیم امکان آزاد شدن بخشی از مناطق روستائی موجود است. ما در این مناطق بلافاصله روابط و مناسبات دموکراتیک نوین را برقرار کرده، مسئله ارضی را به عنوان مسئله اصلی این مناطق آزادشده بنابر خواست آزاد دهقانان حل می کنیم. ما در عین حال با توجه به تنوع شکل بندی های تولیدی در روستاها معتقدیم که شعار "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند" را باید با انعطاف پذیری لازم و با توجه به شرایط عینی محل و نظر شوراهای دموکراتیک دهقانان به مرحله اجرا درآورد، در حالی که شعار "لغو هرگونه باج دولتی" را برای دهقانان مطرح می کنیم.

## جنبش خلق گُرد

1- جنبش خلق گُرد در سه سال اخیر کانون اصلی انقلاب ایران بوده است و امروز با برقراری اختناق سیاه در سایر بخش های ایران، گُردستان برای انقلاب ما اهمیتی دوچندان پیدا کرده است. مبارزه مسلحانه در گُردستان توده ای شده است و می توان در گُردستان از مناطق آزادشده صحبت کرد. شرکت روشنفکران غیرگُرد در مبارزات خلق گُرد و حمایت خلق گُرد از مبارزات سایر نیروهای دموکراتیک در سایر بخش های ایران عناصر ناسیونالیستی و تنگ نظرانه این نهضت را به کلی منزوی کرده و جنبش خلق گُرد امروز به حق بخشی بزرگ از جنبش دموکراتیک خلق ما را تشکیل می دهد.

2- ما با تکیه به اصل حق تعیین سرنوشت ملل، برای گُردستان در چارچوبه ایران خواهان خودمختاری هستیم ولی در عین حال معتقدیم که این خودمختاری بدون تحقق جمهوری دموکراتیک نوین و قطع سلطه امپریالیستی به معنای واقعی کلمه قابل تحقق نیست.

با ایمان به پیروزی راهمان  
چریک های فدایی خلق ایران  
آذر ماه 1361

## متن پشت جلد جزوه

سلطه بورژوازی وابسته در جامعه ما نه به دلیل عدم رشد تضادها و یا رونق تولید بورژوائی تحکیم می یافت، بلکه سیمای واقعی این جامعه سرکوب شدید خلق بود و ستون فقرات ابزار این سرکوب را ارتش تشکیل می داد. همه نیروهای سرکوب گر دیگر فرزندان کوچک و بزرگ همین ارتش بودند. تا وقتی که این ارتش باقی است خیال امپریالیسم آسوده است، چون حاکمیت بورژوازی وابسته مطلق و مُحرز است. حتی او حاضر است برای مدتی کارخانه ها را بخواهاند، در این صورت لطمه اساسی به نظم موجود وارد نمی شود. ولی اگر ارتش یعنی ابزار حاکمیت از دست برود، دیگر سنگ روی سنگ بند نخواهد شد. انقلاب اگر بخواهد پیروز شود باید این ارتش را درهم شکند و اگر این کار را انجام نداده، هیچ کار اساسی صورت نگرفته است.

نقل از پیام چریک های فدایی خلق ایران  
( به مناسبت دو روز بزرگ تاریخی... سال 58 )